

بررسی عدم مشروعیت تحریم‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه قوانین بین‌الملل

رضا پریزاد طاسرانی^۱، شهرزاد حیاتی نسب^۲

^۱ استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

چکیده

هدف از انتخاب موضوع بررسی مشروعیت تحریم‌های بین‌المللی ایران از دیدگاه قوانین بین‌الملل می‌باشد که با استفاده از نظریات موجود تحلیل گردید، تحریم اقتصادی، جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک است که طی قرون متمادی اعمال شده است که علاوه بر اهداف معمول، به عنوان یک استراتژی قهرآمیز و جایگزین جنگ نظامی لحاظ می‌گردد. تحریم عبارت است از امتناعی نظام یافته در برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها جهت تنبیه یا ایجاد رفتار موردقبول است. با این وجود چهره تحریم بیشتر در روابط اقتصاد بین‌الملل آشکار می‌گردد؛ آنجا که کالاها و خدمات یک دولت خاص بایکوت می‌شود. در کل می‌توان گفت اجرای تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران از دیدگاه حقوق بین‌الملل مشروعیت ندارد. تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا مغایر با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، همبستگی اجتماعی ملل، به رسمیت شناختن حق تعیین آزادانه سرنوشت و عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی در پرتو منشور سازمان ملل متحد است. همچنین، منافعی با برقراری همکاری بین‌الملل در شرایط عادلانه و منصفانه بر اساس میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۹۶) ناقص حق توسعه اقتصادی کشورها به موجب منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها و مخالفت با مقررات سازمان تجارت جهانی (مصوب ۱۹۹۵) است که طلایه‌دار بسط و توسعه نظام تجارت آزاد متکی بر چند جانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی می‌باشد. با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و سایر اسناد مربوطه که مبین اصول پذیرفته شده بین‌المللی می‌باشند، می‌توان ادعا کرد که تحریم اقتصادی منجر به رنج و مشقت شهروندان شده است از منظر حقوق بین‌الملل توجیهی ندارند.

واژه‌های کلیدی: عدم مشروعیت، تحریم‌های بین‌المللی، قوانین بین‌الملل.

مقدمه:

امروزه تحریم‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی بر کشورها از سوی جامعه جهانی در جهت تعدیل در سیاست‌ها و رفتار آنها مطرح شده است. در حال حاضر این نقش به شورای امنیت سازمان ملل متحد که مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر اساس منشور ملل متحد بر عهده دارد، واگذار شده است. اما استفاده از تحریم‌های تجاری با هدف تأمین منافع خاص کشور تحریم کننده و بدون توجه به منافع و خواسته‌های سایر اعضای جامعه جهانی و بر خلاف اصول و موازین بین‌المللی، سیاسی است که در سالهای اخیر از سوی پاره‌ای از قدرت‌ها، خصوصاً ایالات متحده آمریکا علیه برخی از کشورهای در حال توسعه که سیاستها و مواضعشان با منافع آنها سازگاری نداشته اعمال شده است. ایالات متحده آمریکا یکی از طرفداران پروپا قرص تحریم‌های اقتصادی و سیاسی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در سیاست خارجی خود بوده است.

در عصر حاضر، تحریم‌ها اگر چه از قوانین و مقررات شورای امنیت و حقوق بین‌الملل پیروی می‌کنند و برای تحریم‌کنندگان و ذینفعان تحریم از اهمیت و ارزش بالایی برای رسیدن به منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردار است ولی نباید فراموش کرد خساراتی که به کشورهای تحریم شونده وارد می‌شود گاهی اوقات غیرقابل جبران است و اگر این تحریم‌ها خصمانه و ناجوانمردانه باشد بیشتر و بیشتر خواهد بود. اهمیت بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران بدان جهت می‌باشد که بر اساس قوانین بین‌المللی بیشتر تحریم‌ها پشتوانه قانونی ندارد و کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا در پی تأمین منافع خویش دست به این کار می‌زنند. اقدامات یک‌جانبه آمریکا در تحریم ایران ناقص اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در میان دولت‌ها است که مستلزم احترام به اصول سیاسی حقوق بین‌الملل یعنی تساوی حقوقی دولت‌ها، عدم مداخله، همکاری و دوستی، احترام به استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها در میان اعضای جامعه بین‌المللی است. به همین دلیل در فرآیند تحریم‌های بین‌المللی باید بر جنبه‌هایی از قبیل مشروعیت، ضرورت و تناسب آنها و همچنین تاثیر این تحریم‌ها بر افراد غیرنظامی بی‌گناه، توجه ویژه‌ای معطوف داشت. نظام بین‌الملل کنونی به علت عدم وجود یک مقام و مرجع جهانی و نظارت بر دولت‌های ملی مستلزم احترام متقابل و نزاکت به منظور همکاری بین دولت‌ها است.

تعریف مفاهیم:**مشروعیت**

مشروعیت به معنای قانونی بودن یا طبق قانون بودن است. سیسرون این واژه را برای بیان قانونی بودن قدرت به کار برد. بعدها واژه مشروعیت در اشاره به روش‌های سنتی، اصول قانون اساسی و انطباق با سنت‌ها به کار برده شد. پس از آن، عنصر «رضایت» نیز به معنای آن افزوده شد و رضایت، پایه و اساس فرمانروایی مشروع دانسته شد. در دوران مدرن برای نخستین بار ماکس وبر مفهوم مشروعیت را به صورت مفهومی عام بیان کرد. به عقیده او، مشروعیت بر «باور» مبتنی است و از مردم اطاعت می‌طلبد. قدرت فقط وقتی مؤثر است که مشروع بوده باشد. (عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۰). بنیادهای علم سیاست. تهران: نی.)

حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل مجموعه قواعدی است که به‌طور کلی در رابطه بین دولت‌ها و بین ملت‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرند این یک چارچوب برای انجام روابط بین‌المللی با ثبات و سازمان یافته‌است. حقوق بین‌الملل از نظام‌های قانونی دولتی متفاوت است، زیرا در درجه اول برای کشورها و نه برای شهروندان خصوصی قابل اجرا است. قوانین ملی ممکن است در زمانی که معاهدات صلاحیت ملی را به دادگاه‌های بین‌المللی مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر یا دادگاه بین‌المللی واگذار نماید، قانون تبدیل به قانون بین‌المللی می‌شود. پیمان‌هایی مانند کنوانسیون ژنو ممکن است به قوانین ملی احترام بگذارند تا به بخش‌های مربوط برسند. بسیاری از قوانین بین‌المللی حکومت مبتنی بر رضایت است. این بدان معنی است که یک عضو دولتی موظف به رعایت این نوع قوانین بین‌المللی نیست، مگر اینکه به صراحت با یک دوره خاص موافقت کند. این مسئله حاکمیت دولتی است. با این وجود، جنبه‌های دیگر حقوق بین‌الملل بر اساس رضایت نیستند، اما همچنان در مورد بازیگران دولتی و غیردولتی مانند قوانین بین‌المللی عرفی و هنجارهای قانونی (قواعد آمره) واجب است.

تحریم اقتصادی

تحریم فعالیتی یا عملی است که به وسیله یک یا چند بازیگر بین‌المللی (مجری تحریم)، علیه یک یا چند کشور دیگر (هدف تحریم)، به منظور مجازات این کشورها، با اهداف محروم ساختن آنها از انجام برخی مبادلات یا وادار ساختن آنها به پذیرش هنجارهایی معین و مهم (از دید مجریان تحریم)، اعمال می‌شود مقررات تجاری محدودیت‌هایی است که دولت‌های ملی بر تجارت بین‌المللی اعمال می‌کنند بظاهر همان تاثیر تحریم‌های اقتصادی را دارند اما اهداف دیگری را دنبال می‌کنند اینگونه محدودیت‌های تجاری اهداف تعیین شده سیاست تجاری یک دولت است در حالی که در تعریف تحریم‌های اقتصادی آن را چون ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی مطرح می‌کنند به همین دلیل دولت آمریکا در پیشبرد خارجی‌اش به تحریم‌های اقتصادی روز افزون متوسل می‌شود.

افزون بر این، باید بین عبارت فنی «تحریم‌های اقتصادی» پیچیده است زیرا برخی اهداف سیاست تجاری ممکن است با اهداف یا شیوه‌ها و روش‌هایی که در برنامه تحریم اقتصادی بکار گرفته می‌شود شباهت پیدا کند. افزون بر این ممکن است برخی از شیوه‌های کاربردی تحریم‌های اقتصادی وارد سیاست اقتصادی بین‌المللی گردد. با وجود این بنظر می‌رسد که اهداف سیاست خارجی که از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی دنبال می‌شوند خارج از سیاست عمومی اقتصادی باشد.^۱ از نظر «باری آی. کارتر»^۲ تحریم‌های اقتصادی به معنی تدابیر قهر آمیز اقتصادی علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور است و یا دست کم بازگو کننده نظریات یک کشور درباره‌ی این قبیل سیاست‌های دیگران است. در تعریفی از کتاب هافبوئر^۳ و شوت^۴ و الویت^۵ در خصوص تحریم اقتصادی آمده است به معنی بازپس‌گیری عمدی یا تهدید به بازپس‌گیری روابط معمول تجاری یا مالی از سوی یک دولت است.^۶

^۱ - Malloy, P. Michael; Economic Sanctions and Human Rights: A Delicate Balance; www. wcl. american: edu/hrbrief, 1990, p.7.

^۲ - Barry e. Carter

^۳ - Huf Bauer

^۴ - Schott

^۵ - Elliott

^۶ - علیخانی، حسین، تحریم ایران، شکست یک سیاست، ص ۳۲.

البته در این تعاریف از تحریم‌های اقتصادی از جمله تعرفه‌ها و سهمیه‌ها یا تضمین دسترسی به بازار یا تطبیق یا تزئینات تجاری شده است که با هدف اقتصادی در برقرار می‌شود. این‌ها عکس‌العملی است به رفتار اقتصادی یک کشور، تحریم‌های اقتصادی برای اهداف سیاست خارجی بکار گرفته می‌شود و هدف از آن تغییر رفتاری کشور هدف است. عبارت «تحریم‌های اقتصادی» به معنی اقدامات غیر نظامی آمریکا است که تاثیر نامطلوبی بر انتقال کالا خدمات یا دارایی‌های ما به یک کشور خارجی خاص ندارند و هدف از برقراری آن، یا مجازات آن کشور یا وارد ساختن آن به تطبیق خود با اهداف سیاسی یا بیان ناخرسندی آمریکا از اقدامات و رفتارهای آن کشور است.^۷

در واقع به عبارت ساده‌تر تحریم‌ها یکی از انواع اقدامات غیرنظامی است که در ماده ۴۱ منشور ملل متحد به جهت اعمال فشار بر کشورهای ناقص صلح یا متجاوز پیش‌بینی شده است و عبارت است از منع صادرات یا واردات تمام یا بعضی از محصولات کالاهای مورد نیاز کشور تحت تحریم و ایجاد ممنوعیت از فعالیت‌ها و محدودیت در آن کشورهاست.

تحریم اقتصادی اغلب به عنوان جایگزین جنگ و اعمال قوه قهریه تلقی می‌شود و شامل انواع روابط اقتصادی اعم از تجاری و مالی است و کشورهای مختلف از تحریم‌های محدود اقتصادی برای مقاصد سیاسی خود علیه کشورهای هدف استفاده می‌کنند. ولی این نوع تحریم عموماً کم اثر بوده است. تحریم‌های همه جانبه از سوی سازمان‌های بین‌المللی نیز بندرت صورت گرفته است.

انواع تحریم‌ها

تحریم اقتصادی را عموماً بر دو نوع می‌دانند یا آن را در دو زمینه اعمال می‌کنند:

الف: تحریم تجاری در تحریم تجاری صادرات و واردات به کشور هدف محدود یا قطع می‌شوند.

ب: اعمال محدودیت‌ها: در این نوع تحریم کشور هدف مورد قطع مطالبات مالی قرار می‌گیرند و یا مطالبات‌های کشورهای دیگر کاهش می‌یابد از روی دیگر به منشا تحریم، آن را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

(۱) تحریم‌های یک‌جانبه

(۲) تحریم از سوی چند کشور

(۳) تحریم توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد

البته ناگفته نماند تحریم اقتصادی برای هدف‌های استراتژیک معمولاً جایگزین گزینه جنگ می‌شود و لذا هزینه اقتصادی آن به مراتب از جنگ برای کشور یا کشورهای اعمال کننده کاملاً قابل توجه است. به تحریم‌های اقتصادی برای هدف‌های استراتژیک معمولاً ۴ مرحله‌ای است:

اول: تشویق کشور هدف به طور خصوصی و از راه مذاکره

دوم: درخواست علنی از کشور هدف و اعلام عمومی آن

سوم: مشورت با متحدین برای اقدام نظامی

چهارم: آغاز تحریم از سطح غیراقتصادی

این تحریم‌ها معمولاً قبل از تحریم‌های اقتصادی آغاز می‌شود هدف آن ترغیب کشور هدف به تغییر سیاست مورد نظر است.

^۷ - بهروری‌فر، مرتضی، اثر تحریم‌های یک جانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۳، ۱۳۸۳، ص ۱۹۹.

تحریم غیراقتصادی بسته به نوع کشور و شرایط موضوع متفاوت است ولی می‌تواند موارد زیر را در بر گیرد:

۱. لغو ملاقات‌های چند جانبه

۲. خودداری از اعطای ویزا

۳. کاهش سطح نمایندگی‌های سیاسی

۴. جلوگیری از عضویت کشور هدف در سازمان‌های بین‌المللی

۵. مخالفت با میزبانی کشور هدف برای اجلاس‌های بین‌المللی

۶. خودداری از کمک‌های مالی و مساعدت‌های رسمی

۷. قطع ارتباطات تلفنی رادیویی، حمل و نقل هوایی دریایی و زمینی

البته گروهی تحریم‌ها را به دو دسته «تحریم‌های خصوصی یا ملی» و «تحریم‌های دولت‌ها علیه یکدیگری تقسیم‌بندی می‌کنند که منظور از تحریم‌های خصوصی یا ملی می‌توان توسط افراد گروهها یا تشکیلات غیردولتی به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش یا حتی دولت متبوع خود این افراد به انجام رفتار مشخصی باشد. تحریم‌های خصوصی معمولاً مطابق با حقوق ملی مورد قضاوت قرار می‌گیرند مگر اینکه دولت آنها را آغاز کرده یا دستور داده باشد یا به وسیله معاهدات دو جانبه دولت متعهد شده باشد که جلوی تحریم را بگیرد و اگر مشخص می‌شود که یک تحریم خصوصی غیرقانونی بوده تنها در موارد نادری همچون موارد مربوط به نقض حمایت از زندگی و اموال بیگانگان مسئولیت بین‌المللی دولت مطرح خواهد شد.

اما در کنار تحریم‌های خصوصی که کاربر محدودی ندارد یکی از موارد شایع استفاده از تحریم‌های دولتی است که اصولاً یکی از فنون موثر و کارآمد در اجرای سیاست خارجی برای تحقیق هدف و تامین منافع ملی استفاده از ابزارهای اقتصادی مالی و تجاری و تکنولوژیک است. در این راستا دولت استفاده کننده از این حربه‌ها سعی می‌کنند دولت‌های دیگر را به تغییر رفتارهای سیاست خارجی شان وادار کنند به گونه‌ای که دگرگونی‌های حاصل از داده‌های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده کننده را از ابزارهای مورد نظر در پی آورد. بهره‌گیری از این حربه‌ها به عصر کنونی روابط بین‌الملل منحصر نیست بلکه در گذشته نیز دولت‌ها سعی کرده‌اند از این طریق دیگران را به تسلیم در مقابل خواسته‌های خود وادار کنند.^۸

تحلیل مشروعیت تحریم‌های اقتصادی از نظر حقوق بین‌الملل

با افزایش وابستگی دولت‌ها در زمینه اقتصادی و تحکیم و گسترش و داد و ستد بین‌المللی نه تنها ضرورتی اقتصادی است بلکه اهمیت آن در زمینه سیاسی نیز مورد تردید نمی‌باشد و در حالی که بعنوان یکی از اهداف حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است این اهمیت‌ها را پررنگ تر هم مینماید. با در نظر گرفتن این واقعیت که در دنیای کنونی هیچ یک از ملت‌ها نمی‌توانند به مرحله خودکفایی در زمینه اقتصادی دست یابند وابستگی آنها به یکدیگر اجتناب ناپذیر است و روابط تجاری بین‌المللی به منزله‌ی یکی از ضرورت‌های جامعه بین‌المللی مورد قبول می‌باشند.^۹

با توجه به گسترش رو به رشد روابط بین کشورها در زمینه اقتصادی و اهمیت آن برای تدوین کنندگان منشور سازمان ملل سبب گردیده تا یکی از راهکارهای پیش بینی شده جهت اعمال فشار بر کشورهای ناقص صلح یا متجاوز برای تحریم به عنوان یک راه حل غیر نظامی باشد از زمان تاسیس سازمان ملل تاکنون قطعنامه‌های فراوانی علیه کشورها به جهت تحریم کامل غیر

^۸ - زهرانی، مصطفی و دولت‌خواه، زهرا، مقایسه تحریم‌های اعمال شده علیه ایران و کره شمالی در شورای امنیت، راهبرد، شماره ۵۵، ۱۳۸۹، ص ۳.

^۹ - ممتاز، جمشید، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات دانش، ۱۳۷۶، ص ۲.

نظامی باشد. از زمان تاسیس سازمان ملل تاکنون قطعنامه‌های فراوانی علیه کشورها به جهت تحریم کامل یا محدود صادر و اعمال شده است.^{۱۰} با گسترش کاربرد تحریم‌های اقتصادی در روابط بین‌الملل در قرن بیستم این سوال همواره در سطح مجامع مجامع حقوقی مطرح می‌گردد که:

آیا اصولاً تحریم‌های اقتصادی در حقوق بین‌الملل از مشروعیت لازم برخوردار می‌باشد یا خیر؟

نظریه مشروعیت مطلق تحریم‌های اقتصادی از نظر حقوق بین‌الملل

مبنای این نظریه بر اصل حاکمیت کشورها در حقوق بین‌الملل استوار می‌باشد اصولاً شناسایی اصل حاکمیت به معنای استقلال و آزادی کشورها از هرگونه سلطه خارجی در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی خود و تساوی کشورها بر طبق قانون می‌باشد.^{۱۱}

بر همین اساس کشورها صلاحیت لازم را بر اعمال حق حاکمیت خود بر قلمرو داخلی خویش پیدا می‌کنند. منابع طبیعی و اقتصادی نیز یکی از حوزه‌های حاکمیتی کشورها می‌باشد. این امر تحت عنوان «حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود» از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۱۸۰۳ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲ مورد تأکید قرار گرفته است. لذا کشورها براساس حق حاکمیت بر منابع طبیعی خود مجاز به ارتباط اقتصادی و یا قطع ارتباط اقتصادی در قالب تحریم با هر کشوری می‌باشند.

اصل حاکمیت کشورها که برخاسته از نگرش اثبات‌گرایانه در حقوق بین‌الملل می‌باشند، خودداری یک کشور از تجارت یا کشور دیگر را صرف نظر از پیامدها و آثار آن برای سایر کشورها اقدامی غیر قانونی محسوب نمی‌کند.^{۱۲} در واقع بنا بر بند ۱ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضا قرارداد» حاکمیت کشورها بر مبنای حقوق بین‌الملل در یک سطح مساوی قرار می‌گیرد. از تساوی حاکمیت‌ها اصل عدم مداخله ناشی می‌شود. به عبارت دیگر اصول ملل متحد، حاکمیت کشورها در یک سطح مساوی برای تمام کشورها تعریف می‌شود که پایه همین تساوی در حاکمیت، کشورها از مداخله در امور یکدیگر منع می‌شوند. لذا برقراری امتناع از تجارب با دیگران در حوزه صلاحیت حاکمیت یک کشور و در دایره صلاحیت اختیاری و داخلی کشورها می‌گنجد.^{۱۳}

علاوه بر آن که تحریم اقتصادی در حقوق بین‌الملل منع نگردیده و هر آنچه در چارچوب حقوق بین‌الملل دایر بر امتناع از آن نیست، در حوزه صلاحیت کشورها طبق اصل حاکمیت آنان قرار می‌گیرد. این نظریه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا نیز تأکید شده است.^{۱۴}

بنابراین، این کشورها آزادند که در چارچوب صلاحیت ناشی از حاکمیت خویش هرگونه رفتاری را که به مصلحت خویش می‌بینند به انجام رسانند. با این وجود «اصل حاکمیت کشورها» یک اصل مطلق و بدون قید و شرط نمی‌باشد که بتوان با چنگ زدن به صلاحیت‌های ناشی از این اصل تحریم‌های اقتصادی کشورها را علیه همدیگر توجیه حقوقی کرد. در واقع همان گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده بارسلونا تراکشون مقرر می‌دارد که حقوق بین‌الملل «متضمن این تعهد برای

۱۰ - قربانی ولنجک، کتایون، تحریم اقتصادی ایران از منظر حقوق بین‌المللی، راهبرد، شماره ۱۰۷، ۱۳۹۳، ص ۶.

۱۱ - عباسی اشقلی، مجید، مداخلات بشر دوستانه و اصل عدم مداخله، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۰-۱۶۹، ۱۳۸۰، ص ۸۲.

۱۲ - ظریف محمدجواد و میرزایی، سعید، تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۳۷۶، ص ۳۷.

۱۳ - شهبازی، سهراب، اثرات مستقیم و غیر مستقیم تحریم، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۳۷۶، ص ۵.

۱۴ - علیخانی، حسین، تحریم ایران، شکست یک سیاست، پیشین، ص ۲۵۶.

دولت‌هاست که در حوزه صلاحیت خود اعتدال را اعمال نموده و از توسعه صلاحیت بوسیله دادگاهها در مواردی که یک عنصر خارجی وجود دارد، پرهیز کنند و از تجاوز بی‌جهت به صلاحیت کشور دیگر که وابستگی بیشتری با آن دارد یا بطور مقتضی صلاحیتش قابل اعمال است خودداری کنند».^{۱۵}

لذا صلاحیت کشورها که از ویژگی‌های حاکمیت کشور یا به تعبیر دیگر تجلی اصل حاکمیت کشورها در حقوق بین‌الملل می‌باشد، محدود به قلمرو داخلی خویش می‌گردد. به معنای دیگر مستفاد از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت کشورها منحصر به سرزمین داخلی خویش می‌باشد و علاوه بر آن که کشورها مکلفند ضمن احترام و رعایت صلاحیت سرزمینی دیگر کشورها از اعمال فعالیت‌ها و تصمیماتی که معارض با اصل حاکمیت کشورها می‌باشد، پرهیز نمایند.

مضافاً آن که حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی خود با هدف ارتقای موقعیت کشورهای در حال توسعه و جلوگیری از پایمال گشتن حقوق آنها بوده است. به عبارت دیگر صحنه گذاشتن سازمان ملل بر حق حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی خود در جهت نیل به رفع نابرابری‌های اقتصادی و صنعتی کشورهای جنوب با شمال بوده است تا زمینه‌های گسترش مبادلات بین‌المللی را به منظور نائل شدن به اهداف فوق فراهم آورد. لذا «اصل حاکمیت بر منافع طبیعی دولت‌ها» در نهایت باعث تحکیم و گسترش همکاری‌های بین‌المللی است و نه تنها هیچ نوع تناقضی بین حاکمیت و همکاری وجود ندارد بلکه این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و برقراری همکاری بین‌المللی در شرایط عادلانه و منصفانه از مظاهر حاکمیت دولت‌ها محسوب می‌شود.^{۱۶}

همچنان که طبق ماده یکم بند دوم میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلیه ملت‌ها می‌توانند برای رسیدن به هدف‌های خود منابع و ثروت‌های طبیعی خود را بدون لطمه به تعهدات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه به مصرف برسانند.

نظریه مشروعیت نسبی تحریم‌های اقتصادی از نظر حقوق بین‌الملل

امروزه با وجود پیشرفت نسبی حقوق بین‌الملل ولی در عین حال فقدان ضمانت اجرایی آن در سطح سازمان ملل تحریم‌های اقتصادی به عنوان اقدامی عملی و موثر در جهت اعاده نظم بین‌المللی و تنبیه کشورهای خاطی از سوی دیگر کشورها خودنمایی می‌کند. لذا با وجود نامشروع بودن تحریم‌ها در حقوق بین‌الملل، کشورها می‌توانند با عنایت به شرایط اقدام متقابل در برابر کشورهای ناقض حقوق بین‌الملل به تحریم متوسل شوند.^{۱۷}

از این رو در غیاب ضمانت اجرایی موثر بین‌المللی در برابر کشورهای ناقض حقوق بین‌الملل، تحریم‌های اقتصادی دیگر کشورها از مشروعیت و جاهت حقوقی برخوردار می‌گردد و در تغایر با حقوق بین‌الملل قرار نمی‌گیرد. البته برخلاف نظر پیشین مبنی بر مشروعیت مطلق تحریم‌ها در حقوق بین‌الملل مشروعیت تحریم‌ها در نظریه نسبی بودن آن نه لزوماً مطلق بلکه تحت شرایطی مجاز می‌باشد. بر همین مبنا هیچ کشوری نمی‌تواند به منظور جلوگیری از نقض بین‌الملل خود به نقض قواعد حقوق بین‌الملل متوسل گردد. هر چند که در هیچ یک از اسنادهای بین‌المللی قواعد آمره حقوق بین‌الملل امضاء نگردیده ولی طبق ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین قاعده آمره حقوق بین‌الملل قاعده‌ای است که توسط جامعه جهانی دولت‌ها در

^{۱۵} - قربانی ولنجک، کتابون، تحریم اقتصادی ایران از منظر حقوق بین‌المللی، پیشین، ص ۸.

^{۱۶} - ممتاز، جمشید، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی، نشریه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۲۲، ۱۳۶۰، ص ۲۲۲.

^{۱۷} - روسو، شارل؛ حقوق مخاصمات مسلحانه؛ پیشین، ص ۲۰؛ ممتاز، جمشید، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل، پیشین، ص ۱۸.

کل بعنوان اصلی پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است و کمترین تخلف از آن مجاز نبوده و تغییر آن فقط توسط قاعده بین‌الملل دیگر یا همان مشخصه آمریت امکان‌پذیر است.

در کنار اقدام به قواعد آمره بین‌المللی در اقدامات متقابل، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در باب قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت در بند دوم ماده ۵۰ خود ناظر به رعایت هرگونه آیین حل و فصل اختلافات حاکم بین کشور زیان دیده از نقض حقوق بین‌الملل و کشور مورد هدف اقدامات متقابل می‌باشد. براساس این بند اگر دولتی که خواهان اقدامات متقابل در برابر کشور دیگری می‌باشد، آیین ارجاع حل اختلاف به روش الزام‌آور موجود باشد، می‌بایستی قبل از هر گونه اقدامی، اختلاف بدان مرجع ارجاع گردد.

علاوه بر تحریم‌های اقتصادی که منشاء صدور آن‌ها از سوی کشورها در قالب اقدام متقابل تحت شرایط و ضوابط فوق‌علیه کشورها ناقص حقوق بین‌الملل می‌باشد، سازمان ملل متحد و در رأس آن شورای امنیت به عنوان رکن این نهاد بین‌المللی که وظیفه حفظ صلح و امنیت جهانی را بر عهده دارد، براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت با توسل به اقدامات اجبار کننده، صلح و امنیت جهانی را تضمین می‌کند تحریم‌های اقتصادی از جمله اقدامات غیرنظامی می‌باشد که براساس ماده ۴۱ منشور در حوزه اختیارات شورای امنیت در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌گنجد پس از آنکه طبق ماده ۳۹ منشور تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه احراز گردد، علیه کشور خاص به کار می‌رود.

هر چند دسته‌ای از نویسندگان حقوق بین‌الملل با تفسیر بند یک منشور و جزء نخست آن که در ارتباط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق اتخاذ اقدامات جمعی موثر واقع می‌گردد و ذکر لزوم انطباق با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل که در جزء دوم بند به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات مربوط می‌شود، تصمیمات شورای امنیت را بر اساس فصل هفتم منشور ملزم به رعایت اصول حقوق بین‌الملل نمی‌دانند ولی با توجه به بند ۱ ماده ۲۴ منشور که شورا موظف می‌کند طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل نماید و نیز بند ۱ ماده ۱ منشور که تحقیق صلح و امنیت بین‌الملل را در پرتو اصول عدالت و حقوق بین‌الملل قابل حصول قلمداد نموده، شورا موظف به اعمال حقوق بین‌الملل می‌باشد. بنابراین شورای امنیت با وجود سرشت سیاسی خود باید حقوق بین‌الملل را فرا راه خود قرار دهد. لذا شورای امنیت در کاربرد تحریم‌های اقتصادی خویش ملزم به رعایت منشور سازمان ملل، اصول حقوق بین‌الملل از جمله رعایت قواعد آمره، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه می‌باشد.

این واقعیت که تحریم‌های اقتصادی همه جانبه شورای امنیت در تنافی با حق حیات به عنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد، امری انکارناپذیر است. چنان که براساس گزارش نماینده یونیسف در سال ۱۹۹۶ بر اثر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت علیه عراق نیم میلیون کودک بیش از نه هزار نفر آنان ده ماهه - به سبب سوء تغذیه و بسیاری ناشی از تحریم‌های وارده زندگی خود را از دست دادند و ۱/۵ میلیون کودک دیگر در صورت ادامه داشتن تحریم‌های اقتصادی در معرض خطر مرگ قرار دارند. لذا عطف به تجارت تلخ اعمال تحریم‌های اقتصادی همه جانبه شورای امنیت و عدم کفایت معافیت‌های بشر دوستانه در چهارچوب تحریم‌های همه جانبه شورای امنیت را به اتخاذ سیاست هوشمندسازی تحریم‌ها بر مبنای تفکیک میان رهبران سیاسی- نظامی و افراد غیر نظامی سوق داده است. با این تحریم‌های هدفمند شورای امنیت که برخاسته از نظریه مشروعیت مبنی بر تحریم‌های اقتصادی در حقوق بین‌الملل می‌باشد با عنایت به آن که شورای امنیت به عنوان ابزار مشروعیت بخش به منافع و سیاست خارجی در تعریف مجدد نظم جهانی و تسلط بر آن از سوی غرب به ویژه آمریکا به شمار می‌آید این تصور که تحریم‌های هدفمند که در جهت انسانی نمودن تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت اتخاذ می‌گردد. به عنوان یک اصل غیرقابل عدول از سوی شورای امنیت پذیرفته می‌شود، غیر واقع‌بینانه و امری نمی‌نماید.

نظریه عدم مشروعیت تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل

این نظریه بر خلاف مشروعیت مطلق تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل که بر مبنای تفسیر وسیع از حق حاکمیت کشورها، هرگونه مداخله در قلمرو حاکمیت کشورها را از جمله صلاحیت کشورها در نحوه ارتباطات اقتصادی و تجاری به شدت رد می‌کند، به اصل عدم مداخله و نسبت آن با تحریم‌های اقتصادی از منظر دیگر می‌نگرد. ماده ۳۲ منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها اعلام می‌دارد که هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی یا هر نوع دیگر از این اقدامات برای مجبور کردن دولتی دیگر جهت فرمانبرداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود بهره‌برداری یا این اقدام را تشویق نماید این معنا در قطعنامه ۲۱۳۱ مجمع عمومی در سال ۱۹۵۶ مورد تأکید قرار گرفته است که هیچ دولتی حق ندارد به طور مستقیم یا غیر مستقیم به هر دلیلی در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر مداخله کند لذا تحریم‌های اقتصادی به ویژه تحریم‌های ثانویه علیه کشورهای ثالث که با کشور مورد هدف تحریم در حال مبادله اقتصادی می‌باشند، اصل عدم مداخله را نقض می‌نماید. در واقع تحریم‌های اقتصادی با ورود به حوزه آن دسته از اموری که در صلاحیت داخلی یک کشور قرار دارد، آزادی تنظیم روابط اقتصادی و مالی یک کشور را در عرصه بین‌الملل سلب می‌نماید. امری که تناقض آشکار با اصل عدم مداخله در امور یکدیگر منبعث از اصل حاکمیت کشورها و تساوی حاکمیت آنان در حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. علاوه بر آن که تعهد کشورها از خودداری از توسل به زور مستند به بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد منحصر به زور نظامی نمی‌گردد بلکه تمام ابعاد زور از جمله سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود. از سوی دیگر اعلامیه ۱۹۷۰ که حاوی منع کاربرد زور از طریق نظامی و سیاسی یا به هر نحو دیگری می‌باشد، مؤید این معناست که استفاده از تحریم‌های اقتصادی که در آن نوعی زور مستتر است بر مبنای منشور ملل متحد غیرقانونی و فاقد مشروعیت می‌باشد.

مشروعیت تحریم‌های بین‌المللی ایران از دیدگاه قوانین بین‌الملل

بند اول: تحریم‌های یکجانبه نقض اختیارات شورای امنیت

با توجه به برخی اصول منشور ملل متحد می‌توان به تعارض تحریم‌های یکجانبه با اهداف ملل متحد پی برد. زمانی که منشور ملل متحد در کنفرانس سانفرانسیسکو تهیه می‌شد ملل متحد تصمیم گرفتند برای پرهیز از یکجانبه گرایی که موجب بروز دو جنگ جهانی شد اختیار اقدام قهری را به رکنی سازمان یافته یعنی شورای امنیت واگذار نمایند. ماده ۳۹ منشور ملل متحد وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده شورای گذاشت تا در صورت تشخیص توصیه و یا تصمیمات مقتضی را اتخاذ نماید و به طور مثال طبق ماده ۴۱ تحریم ارتباطی یا اقتصادی را اعمال نماید. احراز یکجانبه نقض صلح و امنیت بین‌المللی و اقدام یکجانبه از سوی کشورها اولاً بازگشت به دوران پیش از منشور ملل متحد است و ثانیاً موجب نادیده گرفتن اختیارات شورای امنیت است. به عبارت دیگر اعطای صلاحیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از سوی کشورها به شورای امنیت موجب سلب این اختیار از سوی اعضای ملل متحد می‌شود. جالب تر آنکه مبتکران اصلی تحریم‌های یکجانبه اعضای دائمی شورای امنیت هستند که اقدام آنها می‌تواند به معنای اعلام شکست قدرت این رکن از سوی اعضای دائم این رکن باشد.^{۱۸}

۱۸ زهرانی، مصطفی؛ تحریم اقتصادی از نظر تا عمل؛ مجله سیاست خارجی؛ شماره ۱۱، سال یازدهم، بهار ۱۳۷۶.

بند دوم: انحراف تحریم‌های یکجانبه از رهنمودهای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد

اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان ملل مورخ ۱۹۷۰ (قطعنامه شماره ۲۶۲۵) اصل مبنایی عدم مداخله را مطرح می‌کند و بیان می‌دارد که هیچ کشوری حق تشویق استفاده از فشار اقتصادی، سیاسی یا هرگونه فشار دیگری برای مجبور کردن کشور دیگر برای تبعیت از حاکمیت کشور مقابل باشد. بسیاری از قطعنامه‌های سازمانهای بین‌المللی مختلف به نامشروع بودن تحریم‌های یکجانبه یا به طور کلی یا صرفاً آنهایی که ویژگی فراسرزمینی دارند (مانند قوانین داماتو کندی و هلمز برتون) اشاره داشته‌اند. قطعنامه A/RES/46/210 مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۹۹۱ از کلیه کشورها می‌خواهد که فشارهای اقتصادی یکجانبه را که با هدف مداخله در تصمیمات اتخاذ می‌شوند را لغو نماید. بند ۲ این قطعنامه، فشارهای اقتصادی را که شامل مسدود کردن سرمایه و اموال می‌شود را مغایر با منشور ملل متحد می‌داند. قطعنامه A/RES/51/22 مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۹۹۶ تحت عنوان «حذف تدابیر فشار اقتصادی به عنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی» ضمن غیرقانونی دانستن تحریم‌های یکجانبه با ویژگی فراسرزمینی این قوانین را مغایر با حق دولت‌ها در تعیین سرنوشت اقتصادی خود می‌داند. بند ۲ این قطعنامه واضعان این قوانین را ملزم به حذف قوانین یکجانبه با ویژگی فراسرزمینی می‌کند که تحریم‌هایی را علیه شرکت‌ها و افراد بار می‌کند. بند ۳ از کلیه کشورها می‌خواهد که تدابیر اقتصادی یکجانبه با ویژگی فراسرزمینی را به رسمیت نشناسند. هرچند این قطعنامه‌ها الزام آور نیستند و نمی‌توان گفت که مفاد آن ویژگی عرفی پیدا کرده است اما تخطی کشورهای غربی از اصول این قطعنامه بیانگر بی‌احترامی به تمامی کشورهای رأی دهنده به این قطعنامه‌ها است که عموماً جهان سومی هستند.^{۱۹}

بند سوم: موضع انفرادی و جمعی کشورها

اعلامیه مربوط به ممنوعیت اجبار نظامی، سیاسی یا اقتصادی در انعقاد معاهدات منضم به کنوانسیون حقوق معاهدات مورخ ۱۹۶۹ که از سوی شرکت‌کنندگان کنفرانس تهیه کنوانسیون به تصویب رسید فشارهای اقتصادی در انعقاد معاهدات را محکوم کردند و حتی برخی از این کشورها بر این باور بودند که فشار اقتصادی می‌تواند به بطلان معاهده منجر شود. باید توجه داشت که بسیاری از کشورها در قبال تحریم‌های یکجانبه آمریکا بیانیه داده‌اند و یا موضع گرفته‌اند که می‌تواند حاکی از رویه متشدد در خصوص مشروعیت تحریم‌های یکجانبه باشد مانند طرح دعوی اتحادیه اروپا علیه آمریکا در سازمان تجارت جهانی به دلیل تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا که بعضاً به محکومیت آمریکا نیز منجر شده است.^{۲۰}

بند چهارم: مغایرت تحریم‌های یکجانبه با حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر (که اینک به شورای حقوق بشر تبدیل شده است) همواره در مقابل کمیته تحریم سازمان ملل موضع گرفته است. به گزارش کمیسیون فرعی اقلیتها، کمیته تحریم شورای امنیت اطلاعات کافی برای تعلیق سریع تحریم‌ها ندارد در زمانی که آن تحریم منجر به صدمه به مردم شود. تحریم‌های یکجانبه ناقض حقوق بشر: بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حقوق بنیادین رفاه و بهداشت انسانی و امکان دسترسی به دارو اشاره داشته‌اند و بند ۲ ماده ۱ میثاق مذکور بیان داشته که به هیچ وجهی مردم نباید از حق بر امرار معاش محروم شوند.

۱۹ زهرانی، مصطفی؛ تحریم اقتصادی از نظر تا عمل؛ پیشین، ص ۲۳.

۲۰ همان؛ ص ۲۴.

این موضوع به تأیید اعلامیه محو گرسنگی و سوء تغذیه در کنفرانس جهانی غذا مورخ ۱۹۷۴ نیز رسیده است. همچنین براساس اعلامیه وین ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ حق توسعه، به عنوان حق جدایی ناپذیر انسانی شناخته شده است لذا می‌توان اقدامات تحریمی را ناقض این اصل مهم حقوق بشری دانست. قطعنامه‌های شورای امنیت مبتنی بر تحریم دسته جمعی که در سالهای اخیر صادر می‌شود نیز مقرراتی را برای استثنا کردن لوازم حیاتی مانند دارو و غذا برای مردم پیش بینی کرده‌اند. لذا می‌توان گفت به طور اولی تحریم‌های یکجانبه بدون لحاظ کردن ظرایف حقوق بشری مشروعیتی نخواهند داشت.

بند پنجم: فقدان دادرسی منصفانه از سوی شهروندان

در حالی که در بیانات دیپلماتیک هدف از تحریم‌ها فشار به حکومت و مسئولین برای تغییر رفتار ذکر می‌شود اما در عمل مشاهده می‌شود که شهروندان و افراد غیرنظامی که از این تحریم‌ها متضرر می‌شوند راهی برای جبران خسارت خود ندارند. در واقع برخلاف شورای امنیت و اتحادیه اروپا که ساز و کار لازم برای بازنگری در تحریم یا تضمین حقوق بشر را وضع کرده‌اند (که از آن به آموذمن یاد می‌شود) در تحریم‌های یکجانبه بسیاری از کشورها چنین فرصتی را فراهم نکرده‌اند. به طور مثال دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه کادی و البرکات به دلیل نقض اصل دادرسی منصفانه و حق مالکیت، قطعنامه شورای امنیت را بدون اعتبار اعلام نمود لذا تحریم‌های یکجانبه به طور اولی باید باطل باشند.

بند ششم: تحریم حق ملت و نه تخلف دولت

فلسفه ایجاد تحریم‌ها در روابط بین‌الملل این بود که حکومت متخلف را به رفتار مطابق با حقوق بین‌الملل بازگرداند. در حالی که موضوع هسته‌ای در ایران موضوعی است که در جامعه ایرانی ریشه دارد و تحریم برای آن به معنای فشار به یک ملت (و نه فقط حکومت) برای چشم پوشی از حقوق خود است. لذا می‌توان گفت حتی اگر شورای امنیت به دلیل صلاحیت نامحدود خود می‌تواند حتی ملتی را تحریم نماید. اما تحریم‌های یکجانبه تحریم حقی از ملت ایران است و نه تحریمی به دلیل تخلف دولت ایران.

بند هفتم: تحریم‌های یکجانبه نقض تعهدات قراردادی برخی از دولت‌ها

برخی از دولت‌ها طی موافقتنامه‌های دوجانبه مودت و آزادی تجارت یکدیگر را متعهد به برقراری تجارت آزاد کرده‌اند. موافقتنامه مودت و تجارت میان ایران و آمریکا یکی از بهترین نمونه هاست که پس از فراز و نشیب‌های بسیار در روابط دو کشور کماکان از سوی دو دولت معتبر قلمداد می‌شود. این معاهده طرفین را ملزم به برقراری تجارت آزاد میان اتباع یکدیگر کرده‌اند و تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران نقض صریح بند ۲ ماده ۸ این معاهده است. لازم به ذکر است این معاهده رجوع اجباری به دیوان بین‌المللی دادگستری را پیش بینی کرده است که جای آن دارد که مسئولین این امکان را مورد توجه قرار دهند. علاوه بر آمریکا کشورها تحریم کننده دیگر نیز بعضاً موافقتنامه مشابهی با ایران دارند که نیاز به بررسی ماهوی این معاهدات است.

بند هشتم: تعارض تحریم یکجانبه با نظم نوین اقتصادی

قطعهنامه ۳۲۸۱ مورخ ۱۹۷۴ (منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها) تحریم‌های یکجانبه را نمی‌پذیرد. ماده ۷ این منشور از مسئولیت دولت‌ها در ترویج توسعه اقتصادی و اجتماعی شهروندان سخن به میان آورده است و ماده ۳۲ اتخاذ فشارهای اقتصادی را ممنوع کرده است و تنها استثنای این اصل را اقدام دسته جمعی در چارچوب منشور ملل متحد می‌داند. کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد نیز در قطعهنامه‌ای تدابیر تحمیلی اقتصادی، اعمال تحریم‌های اقتصادی از سوی کشورهای توسعه یافته علیه کشورهای در حال توسعه را ممنوع کرده است. اعمال تحریم‌های اقتصادی خصوصاً علیه سرمایه‌های ملی و شخصی یک کشور می‌تواند مغایر با تعهد کشورهای توسعه یافته مبنی بر انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه است (آنگونه که در موافقتنامه تریپس تأکید شده است). لذا تحریم‌های اقتصادی یکجانبه حتی اگر حق کشورهای توسعه یافته تلقی شود در کمترین وجه با تعهد به انتقال فناوری آنها مغایرت دارد.

بند نهم: تعارض تحریم یکجانبه با اصل حاکمیت بر منابع طبیعی

ماده ۱ پاراگراف دوم میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشعار می‌دارد «کلیه ملت‌ها می‌توانند برای نیل به هدفهای خود منافع و ثروت طبیعی خود را بدون لطمه به تعهدات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه به مصرف برسانند». این اصل در مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی به کرات مورد تأیید قرار گرفته است. تحریم‌های یکجانبه می‌تواند نافی حق دولت‌ها در نحوه مصرف کردن منابع طبیعی خود باشد چرا که تحریم یکجانبه‌ای که به طور مثال سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز را ممنوع می‌کند می‌تواند حق دولت تحریم شده در بهره‌برداری از آن را تحت تأثیر قرار دهد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مقاله چنین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد تحریم‌های اعمالی علیه ایران با قوانین حقوق بین‌المللی و حقوق بشر منافات دارد چراکه تحریم و فشارهای اقتصادی اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند تأثیراتی با اغراض سیاسی بر عمل سیاست‌مداران کشور مورد هدف تحریم داشته باشد، ولی خود می‌تواند با اختلال در همکاری‌های بین‌المللی و زیر سؤال بردن منافع مشترک بین کشورها به صلح و ثبات بین‌المللی لطمه وارد آورد که این مسئله چالشی بزرگ برای حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید که با اهداف و اغراض تشکیل سازمان ملل متحد نیز منافات دارد. علاوه بر این به نظر می‌رسد که تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی که مبتنی بر اصول نوکلاسیک اقتصادی هست، در تناقض آشکار با تجارت آزاد و حق حاکمیت کشورها نیز قرار می‌گیرد. از سویی نیز پیرامون تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه از منظر حقوق بین‌الملل عام، نظریه و دیدگاه عدم مشروعیت تحریم‌های اقتصادی با عنایت به فقدان مشروعیت کاربرد زور در عرصه‌ی بین‌الملل جهت تحمیل نظرات سیاسی و تعرض تحریم‌های اقتصادی به حاکمیت آزاد کشورها در عرصه‌ی مبادلات اقتصادی، قائل به عدم مشروعیت این امر هست. از زاویه‌ای حقوق بین‌الملل اقتصادی، تحریم‌های اقتصادی، ناقض اصل حق توسعه است، چنانچه تحریم‌ها از زاویه حق توسعه، موجب وقفه در روند همزیستی بین‌المللی و نهایتاً ضربه به صلح و امنیت جهانی می‌گردد و این امری انکارناپذیر است. براین اساس معتقدیم که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر مبنای حقوق بین‌الملل، سازمان ملل و حقوق بشر، غیرحقوقی و غیر مشروع است و عمل یک‌جانبه‌ی آمریکا نیز در تحریم

ایران، ناقض اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در میان دولت‌ها است. تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا مغایر با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، همبستگی اجتماعی ملل، به رسمیت شناختن حق تعیین‌آزادانه سرنوشت و عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی در پرتو منشور سازمان ملل متحد است. همچنین، منافعی با برقراری همکاری‌های بین‌المللی در شرایط عادلانه و منصفانه بر اساس میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶) ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها به موجب منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها (مصوب ۱۹۷۴) و مخالف با مقررات سازمان تجارت جهانی (مصوب ۱۹۹۵) است که طلایه‌دار بسط و توسعه نظام تجارت آزاد متکی بر کندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی هست.

بدین جهت می‌توان با قطعیت بیان داشت که تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه آمریکا، از نظر مفهومی به «اقدامات تروریستی» نیز شباهت بسیاری دارد و مطابق با آن مسئولیت بین‌المللی نیز می‌آورد که جریمه و تبعات آن، برگرداندن وضع به حالت سابق و جبران خسارت اقتصادی را بر دوش آمریکا می‌گذارد. ولی متأسفانه جمهوری اسلامی ایران، به دلیل فقدان یک سازوکار مشخص در حقوق بین‌الملل نتوانسته است از حقوق مسلم خود در برابر و تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی غیر مشروع و غیرحقوقی، دفاع نماید.

بنابراین راه حل موجود این است که جمهوری اسلامی، علاوه بر شکایت به دادگاه‌های بین‌المللی مربوطه، با یک دیپلماسی همه‌جانبه حقوقی-سیاسی متناسب، هم از حقوق مسلم خود در خصوص این تحریم‌های یک‌جانبه غیر مشروع آمریکا، دفاع نماید و هم شرایطی را در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری برای حمایت از قربانیان تحریم‌های اقتصادی غیر مشروع و مجازات عاملان آن و البته بازنگری در حقوق بین‌الملل و تدوین قوانینی جهت رسیدگی به این‌گونه مسائل، ایجاد نماید.

منابع

۱. برکشلی، فریدون؛ تحریم بین‌المللی آمریکا و کشورهای جهان سوم؛ راهبرد؛ شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۵.
۲. بهروزفر، مرتضی، اثر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۳، ۱۳۸۳.
۳. خرازی، کمال؛ تحولات مربوط به سیستم امنیت دسته جمعی در دوره بعد از جنگ سرد؛ مجله تحقیقات حقوقی؛ شماره ۱۵.
۴. روسو، شارل؛ حقوق مخاصمات مسلحانه؛ ترجمه علی هنجنی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۶۹.
۵. زهرانی، مصطفی و دولت خواه، زهرا، مقایسه تحریم‌های اعمال شده علیه ایران و کره شمالی در شورای امنیت، راهبرد، شماره ۵۵، ۱۳۸۹.
۶. زهرانی، مصطفی؛ تحریم اقتصادی از نظر تا عمل؛ مجله سیاست خارجی؛ شماره ۱۱، سال یازدهم، بهار ۱۳۷۶.
۷. سجادی‌پور، محمدکاظم، ارزیابی مهار دوگانه: چهارنگاه متفاوت، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱.
۸. شاول، ملکم؛ حقوق بین‌الملل؛ ترجمه محمدحسین وقار، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴.
۹. شهابی، سهراب، اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۳۷۶.
۱۰. ضیایی بیگدلی، رضا، حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
۱۱. ضیایی، یاسر، تحریم اقتصادی یک‌جانبه از منظر حقوق بین‌الملل، گزارش راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱.

۱۲. طباطبایی، احمد؛ تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه عراق و حقوق بشردوستانه؛ مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ششم، سال دوم، تابستان ۱۳۷۹.
۱۳. ظریف محمدجواد و میرزایی، سعید، تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۳۷۶.
۱۴. عباسی اشغلی، مجید، مداخلات بشر دوستانه و اصل عدم مداخله، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۰-۱۶۹، ۱۳۸۰.
۱۵. علیخانی، حسین، تحریم ایران، شکست یک سیاست، ترجمه محمد متقی‌نژاد، چاپ سوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
۱۶. قربانی ولنجک، کتایون، تحریم اقتصادی ایران از منظر حقوق بین‌المللی، راهبرد، شماره ۱۰۷، ۱۳۹۳.
۱۷. قوام، عبدالعلی؛ اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۱۸. کلاوسون، پاتریک، تحریم‌های آمریکا علیه ایران، تهران: انتشارات سپاه پاسداران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۹. مصفا، نسرين، «سیمای مجمع عمومی پنجم»، مجموعه مقالات نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
۲۰. ملکی، عباس، تحریم آمریکا علیه ایران ارزیابی مقدماتی، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱.
۲۱. ممتاز، جمشید، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل عمومی، نشریه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران) «تیر ۱۳۸۰ - شماره ۲۲».
۲۲. ممتاز، جمشید، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات دانش، ۱۳۷۶.
۲۳. ممتاز، جمشید؛ انطباق تحریم‌های شورای امنیت با حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛ مجله سیاست خارجی؛ شماره چهارم، سال سیزدهم، ۱۳۷۸.
۲۴. ممتاز، جمشید؛ ایران و حقوق بین‌الملل، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶.
۲۵. ممتاز، جمشید؛ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؛ بولتن مرکز مطالعات عالی بین‌المللی؛ ۱۳۷۹.
۲۶. مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: نشر اطلاعات، چاپ اول، سال ۱۳۸۰.
۲۷. میرزایی ینگجه، سعید؛ اعمال تحریم توسط شورای امنیت علیه عراق؛ مجله سیاست خارجی؛ شماره دوم، سال یازدهم، تابستان ۱۳۸۶.